



دانش آموز معدنی گرانیه‌ها

صدیقه باقری

دبیر دین و زندگی

منطقه ۶ تهران

تصویرگر: پیمان رحیم‌زاده

رسول اکرم (ص) فرموده‌اند:

«النَّاسُ مَعَادِنٌ كَمَعَادِنِ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ»: مردم مانند معدن‌های طلا و نقره هستند.

این سخن حضرت محمد (ص) مانند دیگر سخنان نورانی و هدایتگرشان می‌تواند در امر تعلیم و تربیت دینی، برای دبیران دینی راهگشا و روشنگر راه باشد. از این حدیث، نکات کاربردی بسیاری می‌توان استخراج کرد که به چند نمونه از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. انسان‌ها یکسان نیستند و با هم تفاوت دارند؛ تفاوت‌هایی در: استعدادها و علاقه‌های ذهنی و فکری، هوشمندی، نحوه تربیت‌پذیری، رفتار و...

پس ما، به‌عنوان معلمانی که باید بیش از دیگران عمل به قرآن و سنت (گفتار و رفتار) معصومان (ع) را الگو و سرلوحه زندگی خود به‌ویژه در امر تدریس قرار دهیم، باید:

الف. به تفاوت‌های دانش‌آموزان در استعدادها، بهره هوشی، توانمندی و ... احترام بگذاریم و آن‌ها را همان‌طور که هستند بپذیریم و انتظار نداشته باشیم دانش‌آموزان رفتارشان دقیقاً مانند یکدیگر باشد با همه آن‌ها مطابق میل و اراده ما رفتار کنند.

ب. اصلاً دانش‌آموزان را با یکدیگر مقایسه نکنیم.

ج. به سبب تنوع و تفاوت در هوشمندی و ظرفیت وجودی دانش‌آموزان، برای تقویت روحیه دینداری در آن‌ها، درباره هر کدام از آن‌ها از روشی خاص - متفاوت از دیگران - استفاده کنیم.

د. با وجود تفاوت در استعدادهای درونی بپذیریم که همه آن‌ها یک وجه اشتراک و تشابه دارند و آن، باطن آن‌هاست. آنچه در باطن و وجود آن‌هاست، بسی ارزشمندتر است از آنچه ما در ظاهر مشاهده می‌کنیم.

۲. انسان‌ها بسیار ارزشمندند. اینکه رسول اکرم (ص) انسان‌ها را به معدن طلا و نقره - که از گرانباترین و ارزشمندترین عناصر هستند - تشبیه کرده است، نه معدن مس و آهن و ...، نشانگر ارزشمند بودن انسان‌هاست.

پس باید تمام دانش‌آموزان را همچون معدنی ارزشمند و غنی از لحاظ درونی بدانیم. این حدیث راه را برای هر عذر و بهانه‌ای در مورد تهی و بی‌استعداد و ... دانستن شاگردان و به تبع آن، بی‌اعتنایی یا تحقیر آن‌ها، می‌بندد. نباید هیچ دانش‌آموزی را به دیده تحقیر بنگریم. با تک‌تک آن‌ها به‌عنوان گوهرهایی پاک و ارزشمند که در باطن خود ظرفیت‌های گرانبهای دارند، رفتار کنیم. چه بسا استعدادی در وجودشان باشد که جامعه به آن بسیار نیاز داشته باشد.



۳. انسان‌ها مانند معدن‌هایی پر از ظرفیت هستند. ظرفیت‌های درون معادن را بشناسیم و از آن‌ها بهره ببریم؛ یعنی به سمت آن معادن برویم و آن‌ها را کشف کنیم.

به‌عنوان معلم وظیفه داریم با دانش‌آموزان ارتباط بیشتر و نزدیک‌تری داشته باشیم تا استعدادهای درونی آن‌ها را بشناسیم و در کشف و به‌فعلیت رساندنشان آن‌ها را یاری دهیم. شکوفا کردن استعداد نیز همچون بهره‌برداری از معدن، نیازمند کشف، شناخت، دقت، برنامه‌ریزی، به‌کارگیری ابزار مناسب و رفع موانع است. شناخت شاگرد اصل اول در مسائل تربیتی است، چون شاگرد موضوع آموزش و پرورش است و این مثلث سه ضلع دارد: معلم، شاگرد و درس.

برای شناخت و کشف استعدادهای دانش‌آموزان راه‌های گوناگونی وجود دارد؛ از جمله:

الف. نظرسنجی و مشورت با آن‌ها در مورد مطالب درسی و مباحث خارج از درس.

ب. پاسخ پرسش دانش‌آموزان را ابتدا از خود آن‌ها خواستن: وقتی شاگردی در کلاس سؤال می‌کند، بهتر است ابتدا نظر خودش را در مورد آن سؤال بپرسیم.

ج. آماده‌سازی و ایجاد زمینه برای بالارفتن انگیزه و اعتمادبه‌نفس دانش‌آموز تا او فرصت بروز و شکوفایی استعدادهایش را داشته باشد.

دانش‌آموزی داشتیم که از ذوق و قریحه شاعری برخوردار بود. یک بار که این دانش‌آموز شعرش را به معلم دینی نشان داده بود، معلم پس از تشویقش، او را مکلف کرده بود که در هر جلسه از کلاس دینی، شعری از اشعار خود را بخواند و در واقع کلاس دینی با شعرخوانی او آغاز شود. همین امر اعتمادبه‌نفس آن دانش‌آموز را تقویت کرد و باعث شد در همان سال تحصیلی در مسابقات شعر منطقه شرکت کند.

دانش‌آموز دیگری را می‌شناسم که در زنگ دینی، قبل از حضور معلم در کلاس، تخته سیاه را با نقاشی‌های خود تزئین می‌کرد. تشویق‌های معلم و ترغیب دانش‌آموز به ادامه دادن این هنر سبب شد آن دانش‌آموز از رشته ریاضی به رشته نقاشی در هنرستان تغییر رشته دهد و موفق هم شد.

د. زدودن هر ناخالصی و گرد و غبار و خاک... هنگام استخراج طلا از معدن، برای آشکار شدن درخشش و زیبایی آن، پس هنگام کشف و بارور کردن استعدادهای توانمندی‌های دانش‌آموزان باید هر تلقین منفی و اشکالاتی را که بسان غباری، فطرت پاک آن‌ها را پوشانده‌اند و مانع تجلی استعدادهای ذاتی آن‌هاست محو کنیم تا آن‌ها با امید و انگیزه بیشتر برای شکوفایی استعدادهای فطری خود بکوشند.

ه. آماده کردن خود برای تحمل سختی‌ها هنگام شناخت استعدادهای. زیرا شناخت استعداد امری نیست که به سرعت و یکشبه حاصل شود، بلکه مانند استخراج هر عنصری از معدن، مستلزم زمان طولانی کار سخت و توان‌فرساست. پس خود را برای سختی‌ها آماده کنیم و از سخت و نیز زمانبر بودن این تکلیف الهی نهراسیم که خداوند در قرآن وعده داده است: «والَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ» (عنکبوت/آیه ۶۹).

۴. استعدادهای نابودشدنی نیستند. همان‌طور که معدن از ریشه «عدن» به معنای جاودانگی است، ممکن است استعدادهای دانش‌آموزان نیز به سبب ناشناخته و مجهول ماندن نهفته بماند و ضایع شود، ولی نابود نمی‌شود.

با نگاهی به زندگی انسان‌های موفق درمی‌یابیم که یکی از عوامل اصلی موفقیت آنان، شناخت استعدادهای خود و پرورش آن‌ها بوده است. دانش‌آموزان ما گنجینه‌هایی گرانبها از استعداد و قابلیت هستند، که گاهی ناشناخته مانده‌اند؛ حتی از جانب خودشان.

تشبیه به معدن طلا و نقره حاکی از این نکته است که همان‌طور که اگر معدنی از طلا و نقره، شناسایی و استخراج نشود کسی از درون آن باخبر نخواهد شد و منافع آن بی‌استفاده خواهد ماند، اگر انسانی گنج‌ها و استعدادهای درون خود را نشناسد و درصدد شکوفا کردن آن‌ها برنیاید نیز، آن گنج‌ها هیچ نفعی برای او نخواهند داشت.

آیت‌الله طالقانی در تفسیر «پرتوی از قرآن» در شرح آیات ۹ و ۱۰ سوره «تکویر»، در شرح زنده به گور کردن دختران در عصر جاهلیت، می‌فرماید: هر انسانی هم که استعدادهای توانمندی‌های فطری خود را شکوفا نکند در قیامت باید پاسخگو باشد که: «بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ».

البته نکات کاربردی این حدیث بیش از این موارد بود. در اینجا فقط به چند مورد و آن هم به‌طور خلاصه اشاره شد.

سخن را با داعی که خداوند به خاتم الانبیا(ص) القا کرده است به پایان می‌بریم: «**قُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا**» (طه/آیه ۱۱۴). خداوند بر دانش من بیفز!